

به نام خدا

داستان آزمون کنکور سراسری دانش آموزان جیرفتی در دهه شصت

به قلم دکتر ذبیح‌الله اعظمی، عضو هیات علمی دانشگاه جیرفت

مطلب فوق در روزنامه وزین کاغذ وطن در خرداد 1397 منتشر شده است

مقرر شد دانش آموزان جیرفتی برای آزمون کنکور سراسری به شهرستان بافت (استان کرمان) بروند چون امکانات سرمایه‌ی سالن‌های آزمون در جیرفت به اندازه کافی نبود. این واقعه دقیقاً در 31 سال پیش یعنی در سال 1366 اتفاق افتاد. چگونگی رفتن به شهرستان بافت برای من و سایر دانش آموزان جیرفتی تبدیل به یک دغدغه و نگرانی شده بود که اکثراً اولین سفرمان به آن شهر محسوب می‌شد. خلاصه با تعدادی از همکلاسی‌هایم پس از زیارت امامزاده سلطان سید احمد در بخش ساردوییه با مینی‌بوس، وانت و سواری خود را به شهرستان بافت رسانیدیم. در آن سال‌ها، شهرستان بافت دارای یک خیابان اصلی بود لذا پس از دریافت کارت ورود به جلسه، پیدا کردن مدرسه‌ای نزدیک بازار که جهت اقامت شبانه داوطلبین کنکور مشخص شده بود کار سختی نبود. نمی‌دانم شام چه خوردیم اما هر نفر دو تخته پتو از سرایدار مدرسه گرفته و خوابیدیم و فردا صبح زود بیدار شدیم و در مسیر محل برگزاری آزمون در یک کافه کوچک، نان پنیر و تخم‌مرغ صبحانه میل کردیم. امتحان برگزار شد و آن قدر سرگرم سولات شدیم که یادمان رفت کیک و آبمیوه ای را که بهمان داده بودند را بخوریم. امتحان تمام شد و از سالن خارج شدیم و انگار بار سنگینی را از دوشمان برداشته باشند رها شدیم و شادی کنان می‌رفتیم و بچه‌ها در مورد سؤالات و پاسخ‌ها صحبت می‌کردند.

یک ماه بعد برای دریافت نتایج آزمون مجدداً به شهرستان بافت رفتیم. اعلام نتایج به این صورت بود که یک کارنامه با یک جدول شامل دروس و درصد پاسخگویی و رتبه در منطقه، و در صورت مجاز بودن فرد به انتخاب رشته یک فرم دیگر با 14 جای خالی به او داده می‌شد که می‌توانست فقط چهارده رشته را در کل کشور انتخاب کند یعنی مثل حالا نمی‌شد بدون محدودیت بیش از یکصد رشته را در دانشگاه‌های مختلف کشور انتخاب نمود. بعضی از کارنامه‌های ضعیف ستاره داشتند و یکی از بچه‌ها از مسئول مربوطه پرسید مفهوم ستاره در کارنامه چیست و ایشان با خنده جواب داد یعنی سزاوار نباش و برو خانه و به عبارت دیگر شما مجاز به انتخاب رشته نیستید. بعضی رشته‌ها نیمه‌متمرکز بودند مثل پزشکی ارتش و سپاه، خلبانی و کشتی‌رانی که نیاز به انجام مصاحبه و گزینش خاص داشت که اسامی این افراد را پشت پنجره زده بودند. کسانی که رتبه خوبی آورده بودند به سرعت نامشان در شهرستان می‌پیچید و باعث افتخار فامیل و مدرسه‌شان بودند.

مشاوره برای انتخاب رشته هم بسیار محدود و مثل الآن نبود. من و دوستم به کرمان رفتیم و با پرداخت مبلغی پس از انتخاب 14 رشته که سرنوشتمان به آن‌ها بستگی داشت به جیرفت بازگشتیم. بعد از چند روز من با تعدادی از

دوستان هم‌مدرسه‌ای به جبهه و به منطقه فاو عراق که تازه تصرف شده بود اعزام شدیم. لذا در خط مقدم نزدیک کارخانه نمک فاو بودیم و از طریق رادیو باخبر شدیم که نتایج کنکور اعلام شده است، ولی ما به روزنامه دسترسی نداشتیم. به پشت خط مقدم جبهه یعنی در شهر فاو آمدیم و یک روزنامه حاوی نتایج کنکور پیدا کردیم. من و دوستانم هر دو در رشته کشاورزی و در دو دانشگاه مختلف قبول شده بودیم. با روزنامه به دفتر فرماندهی رفتیم و بلافاصله تریخیس و به اهواز و سپس به کرمان و هرکدام به دانشگاه محل قبولی رفتیم.

شایان ذکر است که در آن سال‌ها دانش آموزان بافتی و رابری بیشترین درصد قبولی را در رشته‌های پزشکی و مهندسی در دانشگاه‌های درجه یک کشور داشتند در صورتی که تعداد قبولی‌های پزشکی بچه‌های جیرفت برخلاف امروزه که بسیار زیاد و در سطح استان مطرح است، به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسید. به همین دلیل در جیرفت کسانی که در رشته‌های درجه یک مثل پزشکی، حقوق، علوم سیاسی، مهندسی بخصوص در دانشگاه‌های تهران قبول می‌شدند آوازه آن در کل شهر و روستا می‌پیچید که مایه افتخار و سربلندی خانواده، فامیل و مدرسه بود. در دهه شصت هنوز آثار جنگ و تبعات آن باقی بود و امکانات و کتاب‌های کمک‌آموزشی هم کافی نبود. بهترین منابع کمک‌آموزشی کتاب‌ها و "جزوات رزمندگان اسلام" بود که آن‌ها اغلب کمتر به شهرستان‌ها مثل جیرفت می‌رسید. مؤسسات آموزشی خصوصی و کمک‌آموزشی هم هنوز گسترش نداشتند ولی بعد از دهه هفتاد تأسیس این‌گونه مؤسسات شروع شد. اما علی‌رغم کمبود امکانات بچه‌های جیرفت دارای انگیزه بودند و سخت تلاش می‌کردند. یکی از عوامل مؤثر در ایجاد انگیزه و هدایت صحیح بچه‌ها دلسوزی دبیران بسیار باسواد و پرکار دبیرستان‌های جیرفت بود که دانش آموزان را فرزندان خود دانسته و با تمام وجود در آموزش و تربیت آن‌ها از جان مایه گذاشتند. بدین صورت بود که جای خالی مؤسسات آموزشی خصوصی را پر می‌کردند و همچنین مدیران دبیرستان‌های امیرکبیر (آقای کوچکعلی کمالی) دبیرستان طالقانی (آقای محمدرضا راینی‌پور) و دبیرستان دخترانه فاطمیه (زنده‌باد خانم کلثوم خالصی) نیز در موفقیت و قبولی دانش آموزان دختر و پسر جیرفتی در همه رشته‌ها بخصوص رشته‌های درجه یک بسیار مؤثر بودند و همین امر باعث شد که در سال‌های بعد رتبه‌های تک‌رقمی دانش آموزان جیرفتی در کشور نام جیرفت را در سطح استان و در کشور بلندآوازه کرد. موفقیت بچه‌های جیرفت و زحمات دبیران به‌اندازه‌ای مؤثر و باز خورد داشت که علاوه بر موفقیت و درخشش تیم‌های علمی دانش‌آموزی جیرفت در کشور حداقل دو تن از بچه‌های جیرفت در المپیادهای بین‌المللی نام این شهر را نیز بلندآوازه کردند. ما با افتخار دست تک تک همه معلمان سرزمین مادری را صمیمانه می‌بوسیم.